

آینه های روبه رو

«امید فردا» چرا منع شد؟

داوود علی‌بابایی

■ انتشارات «امید فردا» در طول فعالیت ۱۳ساله خود حدود ۱۳۰ عنوان کتاب در زمینه تاریخ، سیاست، ادبیات و نواندیشی دینی به چاپ رسانده است. از جمله چند اثر از مرحوم آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (صاحب شهید جاوید)، چند اثر از مرحوم آیت‌الله العظمی صادقی تهرانی (صاحب رساله توضیح‌المسائل نوین که حوالی فتاوی‌ی بحث‌برانگیز است)، در میهمانی حاجی‌آقا نوشته فرهاد بیهپانی و حبیب‌الله دارون، داود علی‌بابایی (مدیرمسوول) که بیش از ۲۵ عنوان کتاب تألیف کرده، از جمله مجموعه ۲۵ سال در ایران چه گذشت؟ (از بزرگان تا خاتمی) که تاکنون ۱۰جلد آن به چاپ رسیده و جلد یازدهم آن زیر چاپ است و کتاب تخت فولاد و آثار چندین نویسنده دیگر این انتشارات با این سابقه فعالیت، سه سال پی‌درپی از شرکت در نمایشگاه کتاب محروم شده است و امسال نیز کتاب‌های این انتشارات در طول نمایشگاه در دفتر انتشارات با تخفیف ویژه به فروش می‌رسد و این محرومیت از شرکت در نمایشگاه کتاب در حالی صورت می‌گیرد که انتشارات امید فردا دچار بحران مالی است و در ورطه ورشکستگی قرار دارد و نیز نیاز مبرم به شرکت در نمایشگاه داشته است.

در رابطه با محرومیت انتشارات امید فردا و ناشران دیگر ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد: ۱- سخنان آقای دری، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در دیدار با هیأت‌مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران قلیل تامل و نقد است. (به نقل از روزنامه آرمان، سمنشنبه ۲۹/۱۱/۹۱) ایشان می‌گویند در سال گذشته کمیته رسیدگی به تخلفات ناشران چند جلسه داشته و درباره چند ناشر رای صادر کرده است. تلاش می‌کنیم اگر تخلفات ناشری مکرر روی نداده این تخلفات را به نمایشگاه تعمیم ندهیم. وی در پایان اظهار امیدواری کرد این اعتنا به حضور ناشرانی که پرونده‌شان در کمیته رسیدگی به تخلفات معاونت در دست بررسی است در نمایشگاه امسال مورد توجه قرار گیرد و معدود ناشرانی که تعدادشان از انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کند نسبت به تغییر روبه در فعالیت‌های حرفه‌ای خود اقدام کنند. در این جلسه اعضا و هیأت‌مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان نیز از مواقع پیش‌روی اتحادیه و نیز حمایت‌های معاونت از اعضای آن گزاشی ارایه کردند.

اولا چرا اتحادیه در برابر محرومیت بعضی از ناشران در نمایشگاه مانند چشمه، ثالث، کویر، امید فردا، گام نو، شهزاده، جیحون و غیره سکوت کرده و وعده‌های معاونت فرهنگی را به او یادآوری نمی‌کنند؟ ثانیاً مگر آقای دری نگفتند که از تخلفات ناشران چشم‌پوشی کرده و آن را به نمایشگاه تعمیم نمی‌دهیم؟ آیا انتشارات امید فردا در سال‌های تخرلفی در سطح وزارت داشته است که از نمایشگاه امسال محروم شده است؟

۲- قائم‌مقام نمایشگاه کتاب تهران گفت هر ناشری که برایش حکم قضایی صادر شده باشد، نمی‌تواند در نمایشگاه حاضر باشد. از این رو «نشر چشمه» نمی‌تواند در نمایشگاه کتاب تهران حضور یابد. (روزنامه «همشهری»، یکشنبه، ۹۱/۱۲/۹۱) باید در جواب آقای دری و قائم‌مقام او گفت: آیا در سال قبل انتشارات امید فردا تخلفی داشته است؟ آیا دوران تعلیق انتشارات امید فردا یک سال قبل سپری نشده بود و نیز قوه‌قضاییه در دادسرای رسانه برای بدنه منع تعقیب صادر نکرد؟ ولی با تمام این احوال انتشارات امید فردا را از حضور در نمایشگاه منع کردند. بدون اینکه علت آن را بیان کنند. ناشران بسیاری که دچار مشکل مالی بوده، از قبیل انتشارات امید فردا، از نمایشگاه حذف می‌شوند تا بر مشکلات آنان افزوده شود. مگر ناشران به جز کار صنفی چه کاری انجام می‌دهند که باید از حقوق مالی محروم شوند؟

۳- آقای بهمن دری، معاون فرهنگی، در تاریخ ۹۱/۲/۴ در ساختمان فرهنگی عمومی گفت: ناشران و منتقدان وزارت فرهنگ‌و ارشاداسلامی بنویسندوهرچه دل تنگشان می‌خواهد به مطبوعات بگویند. او گفت: فهرست سیاه برای ناشران خارجی نداریم و برای ناشران داخلی اصلا نداریم. باید دید بعد از نمایشگاه کتاب کسانی که از عملکرد کارگزاران نمایشگاه انتقاد کرده‌اند، ناچه عکس‌العملی مواجه می‌شوند و انتشارات امید فردا که این درد دل‌ها را می‌نویسد، چه بر سرش خواهد آمد. این را در آینده باید دید و نیز آقای دری می‌گوید ما فهرست سیاه نداریم. پس این گروه ناشران که از نمایشگاه کتاب حذف شده‌اند، خودشان شرکت نکردند یا در فهرستی که وزارت ارشاد تهیه دیده بود قرار داشتند که ما ناشران اسمش را می‌گذاریم لیست سیاه. حالا از طرف هر ارگانی که می‌خواهد تنظیم شده باشد و نبودن فهرست سیاه خلاف واقع است. در پایان متذکر می‌شوم این فقط «نشر چشمه» نبود که از نمایشگاه کتاب حذف شد، بلکه نشرهای بسیاری از جمله نشر امید فردا نیز در این گروه بودند و این ممانعت از حضور در نمایشگاه خلاف حقوق مادی، فرهنگی و صنفی ناشران است که چشم امیدشان به این نمایشگاه بوده است.

قلیل ذکر اینکه انتشارات امید فردا در تاریخ ۹۱/۲/۹ براساس نامه‌ای از آقای بهمن دری تقاضا کرده برای رفع بحران مالی این انتشارات اجازه حضور در نمایشگاه را به این انتشارات بدهند که هنوز پاشخی به آن داده نشده است.

■مدیرمسوول انتشارات امید فردا



بهروز غریب‌پور

دوستداران عزیز شبکه خبری قرن هشتم هجری قمری پیش از این و در آخرین بخش خبری به آگاهی رساندیم که برای پرهیز از به‌کارگیری جملات و عبارات طولانی از این پس اختصارا این شبکه را: ا. ش. ت. ق. می‌نامیم اما عزیزانی با ما تماس گرفته و گفته‌اند مختصر کردن پی‌هنزترین راه است و... بنابراین از این پس این شبکه با عنوان اختصاری ش. ت. ر. ق. روی همان طول موج: تاریخ، ات ایران، دات کام. قرن هشتم! قلیل دریافت خواهد بود. ضمناً از آنجایی که اخبار ورزشی ادبی و سیاسی ما دست‌کمی از «شرق» ندارد و حتی غالباً اخبار ما از «شرق» به مراتب شترق‌ترند، این عنوان تا اطلاع ثانوی بدون تغییر خواهد ماند.د ادمه و در این بخش خبری نگاهی می‌اندازیم به تأثیرات متجمنان در متوهم کردن قدرتمندان معلوم‌الحال و مشارکت آنها در حوادثی که عوام هرگز به ذهنشان خطور نمی‌کند: امیر

مبارزالدین محمد چندی پیش از متجمنان پرسیده بود که به نظر شما، ما از ناحیه کدام پدرسوخته‌ای (البته فحش آبدارتری داده بودند که برای بالای ۲۵سال هم شنیدنش ممنوع است) جانمسان و تخت‌و‌تاجمان در خطر است؟ آقایان منجمنان قطعاً با ترس‌ولرز پیشگوی کرده بودند که از طرف جوانی ترک و بلندبالا «ملاتی» به شما خواهد رسید و البته منظورشان از ملات «حاکر کردن» و بهقول مردمان چند قرن بعد «کودتا» بود که هیچ منجمی یاری گفتن آن را نداشت که راست‌وحسینی برود سر اصل مطلب و منظور از «ملات» را به ایشان شیرفهم کند. البته امیر مبارزالدین مثل همه قلدران تاریخ به دیاری اجازه تفسیر و تعبیری غیر از آنچه خودش می‌خواست نمی‌داد و اساساً کدام کاسه‌لیسی در تاریخ رک‌وراست و پوست‌کنده چیزی را به اربابش گفته است که این منجمنان گفته باشند؟ خلاصه

مهم‌ترین سالن تئاتر ایران خالیست

صندلی‌های خالی و صدای باد

نمایش‌هایی که به صحنه نرسید

نمایش «مشروطه بانو» به کارگردانی حسین کیانی آخرین نمایشی بود که در سال گذشته در این سالن به روی صحنه رفت و ۲۶ اسفند با آخرین اجرایش به کار خود پایان داد. این نمایش که از دی ماه در «تئاترشهر» به صحنه رفت، قرار بود تا جشنواره اجرا داشته باشد و بعد از آن جای خود را به نمایش «روز ۷۰۷» به کارگردانی داوود رشیدی با متنی از احمدرضا احمدی بدهد. اما گفته شد که این اجرا به دلیل آماده نبودن نمایش به تأخیر افتاده و قرار شد نمایش دیگری جایگزین آن شود. جریانیت که نمایش «عشق و عالیجناب» حسین پاکدل با بنیاد رودکی داشت و در نهایت تالار وحدت حاضر نشد - که آن هم این روزها مانند سالن اصلی «تئاترشهر» خالی است- صحنه را در اختیار پاکدل قرار دهد و باعث شد که شورای هنری انتخاب آثار «تئاترشهر» این نمایش را جایگزین نمایش رشیدی کند. قرار بود عشق و عالیجناب بعد از پایان جشنواره به صحنه برود اما از آنجایی که هنوز ۱۰ اجرا از اجراهای مقرر مشروطه بانو که به دلیل بیماری بهزاد فراهانی چند روزی تعطیل شده بود، باقی مانده بود، توافق شد تا اجرایش را کامل کند. پنج اسفند ۹۰، روابط عمومی «تئاترشهر» در خبری به نقل‌قول از شورای هنری «تئاترشهر» اسامی نمایش‌هایی را که تا تیر ماه قرار است در سالن اصلی به صحنه برود، اعلام کردند. براساس تصمیم این شورا که در آن زمان افرادی چون محمد یعقوبی، محمدامیر یاراحمدی، مسعود دلخواه، محمود استاد محمد در آن عضو بودند، «عشق و عالیجناب» به کارگردانی حسین پاکدل، «پول نمیدم، پول نمیدم» به کارگردانی مسعود دلخواه و «جنایت در بولوار» به کارگردانی سهراب سلیمی آثاری است که قرار بود در فصل اول

ادب‌و‌هنر

ش. ت. ر. ق.

تاریخ. ات. ایران دات کام

امیر با شنیدن این پیشگوی بلافصله قنوبلای دشمنانش در ولایات بسیار دورتر از مرزهای قدرتش را در نظر آورد و تمام آن مشخصات را در «سلطان اویس جالایر بن امیر شیخ حسن بزرگ الیلکلی» جمع دید که بنده‌خدا مطلقاً در چنین فکر و خیالی نبود و اگر هم بود توصیه می‌کرد که آقاجان نگاهی هم به اطرافت بینداز شاید یکی پیدا بشود که از رعناز و بلندبالا‌تر باشد و دلایل بیشتری برای سره‌نیست کردن‌ت داشته باشد... اما امیر مبارزالدین بدون آنکه نگاهی به فرزندش شاه‌شجاع بیندازد شال‌و‌کلاه اساسی راه افتاد و با لشکری عظیم رو به تبریز راه افتاد و مدتی در عراق (اصفهان خودمان) اقامت کرد و طی این مدت مطلق معمول به فرزندانش، محمود و شجاع، دشنام‌های دست‌اول می‌داد و به آنها مژده می‌داد که به‌زودی چشم‌هایشان را از کاسه بیرون خواهد آورد و خلاصه انقدر تهدید کرد، انقدر خود را در کور

کردن شاهزاده‌ها مصمم نشان داد که شاه‌شجاع چاره‌ای ندید جز آنکه پدر را کور کند که کرد و چنان کرد که منجمنان گفته بودند ملاتی بود برابر با ذلالت و شاید هم بسیار غلیظ‌تر از ذلالت که به‌موقع تصاویر آن را به سمع‌ونظران خواهیم رساند... منبع خبری ما به نقل از صاحب مطلع السعدین مشخصات شاهزاده شجاع‌الدین را چنین بیان کرده است: «شاه شجاع روی خوب و منطری محبوب داشت و فضایی زمان از انوار فضايل او اقتباس می‌نمودند و در میدان شجاعت رستم دستان و اسفندیار دوران بود... اما لوی خونخوار ایشان جناب‌امیر مبارزالدین محمد به جای این امتیازات او را «گریه رقیقونه» صدا می‌کرد و برخی گفته‌اند که انقدر فحش و ناسزا نثار فرزندش و دیگران می‌کرد که کم آورده بود و اگر دوران حکومتش ادامه می‌یافت چه‌بسا به دلیل همین کم‌آوردن زبان نر‌تری اختیار می‌کرد که خلاصه گریه رقیقونه و دشمنی که خاتمه‌یاد بود شناسنامه باباجانش را بدجوری باطل کرد و فرصت تجدید نظر در ادبیات به او نداد.» کنون به پیش‌بینی وضع هوا و اخبار ورزشی توجه کرده، در ادامه به برنامه آشپزی به شیوه «مغولان» توجه فرمایید.



آخرین نمایش اجراشده در سالن تئاتر شهر

قرار است نمایشی به صحنه برود اما به نظر می‌رسد که متن درآکام نیز تصویب نشده هفته پیش در صفحه آثار در حال اجرای سایت ایران تئاتر نام نمایشی به کارگردانی کامبیز اسدی اعلام شد که قرار بود در هفته‌های جاری به سالن اصلی «تئاترشهر» بیاید. اما این نمایش بی‌هیچ دلیل اعلام شده‌ی به تعویق افتاد و باز در مقابل سالن اصلی «تئاترشهر» در اجراهای تهران خالی مانده است. البته شنیده می‌شود که این روزها عظیم موسوی با نمایش زکریای رازی در حال تمرین است تا در کمتر از یک ماه این نمایش در تالار اصلی «تئاترشهر» به صحنه برود. هر چند هنوز مشخص نیست که این نمایش هم بتواند از درهای مثبت‌کاری شده سالن اصلی در شود.

مراسم غیر تئاتری

چند هفته پیش خانه تئاتر دنبال مکانی برای اجرای مراسم بود که مطرح شد برای چند هفته متوالی به این وزارت‌خانه اجازه داده شده تا برنامه‌های خود را برگزار کند. سالن اصلی «تئاترشهر» به عنوان مهم‌ترین سالن تئاتر کشور این روزها چراغ‌هایش را خاموش کرده است و چه زمانی این چراغ‌ها روشن می‌شود باید منتظر ماند و دعا کرد که شایه‌ها درست نباشد.

«امجد» و «رضایی‌راد» از «بیضایی» می‌گویند



شرق: کتاب «هزارافسان کجاست؟» بهرام بیضایی به همراه پیام تصویری او از استنفورد و سخنرانی محمد رضایی راد و حمید امجد ۲۹ اردیبهشت‌ماه در خانه هنرمندان رونمایی می‌شود. در این مراسم که به همت انتشارات روشنگران و مطالعات زنان ناشر رسمی آثار بیضایی بر گزار می‌شود، بخشی از نمایش آرش نیز رونمایی خواهد شد.

ری‌رتوار «چکناورایان»



شرق: «لوریس چکناورایان» با همراهی ارکستر مجلسی ارمنستان، از ۱۹ خرداد برای ۱۴شب میهمان تالار وحدت خواهد بود. چکناورایان در این ری‌رتوار اجراهای متفاوتی از موسیقی ملل را برای علاقه‌مندان ارایه خواهد کرد. چکناورایان در یک سال گذشته بیشتر بر روی آهنگسازی تمرکز کرده بود و اجرایی نداشت.

مسوولان علیه سینما

انتقادوزیر و مدیرکل از فیلمسازان

و آنان را برای تولید بیشتر ترغیب می‌کند. حسینی بیان داشت: باید رویکردهای پرافتخار تاریخی خود را به عنوان سوزه کشف و معرفی کنیم و از هنرمندان خواهیم‌براس همان رویکردها آثار هنری‌ای در قالب‌های مختلف تولید کنند.همچنین مدیرکل نظارت ارزشیایی دبیروز به حمایت از حوزه و بیانیه اش پرداخته است. در حالی که بیانیه حوزه هنری درباره عدم اکران فیلم‌های دارای مجوز ارشاد باعث برخی مسایل و واکنش‌ها و بیانیه‌های شدیدالحن شده بود، اما مدیر کل نظارت و ارزشیایی از این روند حمایت کرده است. سیدعلیرضا سجادیور به فارس گفت: «من از بیانیه حوزه هنری استقبال کردم. این بیانیه حوزه را موظف می‌کند که دست‌کم امثال امکاناتش را در اختیار فیلم‌های ارزشی قرار دهد و متغعه مهم ما را که آیا فیلم‌های ارزشی که با حمایت ما تولید شده سالتی برای نمایش خواهد داشت یا خیر تأمین خواهد کرد.» این درحالی است که این بیانیه به طور خاص تأکید داشت: «ما هیچ سیمایی را به اکران هیچ فیلمی اجبار نمی‌کنیم. قانون می‌گوید فیلم‌هایی را که مجوز اکران دارند ارشاد مشخص می‌کند و سینماها خودشان بسته به

مراسم بزرگداشت «محسن وزیری‌مقدم»- نقاش مدرنیست - با نمایش هفت تابلو جدید و قدیمی‌ای از وزیری‌مقدم و شش تابلو از هنرمندان دیگر در گالری فروهر برپا خواهد شد. در این نمایشگاه همچنین آثاری از بابک عظیمیانی، هادی جمالی، رضا حسینی، رضا نادادادی و همایون سلیمی، در جهت پاسداشت مقام هنری وزیری‌مقدم از ۲۰ اردیبهشت‌ماه، رونمایی خواهد شد.



ایستا: «مسعود بخشی» کارگردان فیلم «یک خانواده محترم» که در بخش دو هفته کارگردانان جشنواره کن به نمایش درخواهد آمد، درباره این فیلم شتنی را منتشر کرد. این کارگردان در این نوشتار آورده است: «فیلم سینمایی «یک خانواده محترم»، فیلمی قصه‌گو و روایتگر رنج و امید مردم ماست و آن را بیش از همه برای مخاطب ایرانی ساخته‌ام که این قصه را زندگی کرده است. خوشحالم که فیلمم در سامین سالگرد آزادی خرمشهر به نمایش درمی‌آید و آن را به تمامی نوجوانانی که در آن سال‌ها، یک‌شبه مرد شدند و جان‌شان را فدا کردند، تقدیم می‌کنم. امیدوارم کسانی که سودای ثروت و قدرت، کور و کرشان کرده نیز آنها را آن یاد نبرند.»

نگاه

این همان یار مهربان است؟



احمد طالبی‌نژاد

■ وقتی می‌شنویم یا می‌خوانیم که بیست‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب با موفقیت چشمگیری برگزار شد و بیش از هفتاد‌هزار عنوان کتاب تازه در آن عرضه شد، حتما باید خوشحال باشیم. وقتی انبوه بازدیدکنندگان و خریداران کتاب را از سراسر ایران می‌بینیم که با کیسه‌ها و کارتن‌های کتاب از نمایشگاه خارج می‌شوند، مهم، حتما باید از این همه عشق و علاقه به کتاب و کتابخوانی در سرزمین خود شادمان و متعوف باشیم. وقتی نرسیده به شهر قم یک شهرک بزرگ می‌بینیم با عنوان «شهرک صنعت چاپ و نشر» هم سرشار از حس غرور می‌شویم که اصلی‌ترین جریان فرهنگی کشور یعنی نشر کتاب تا این حد پیشرفت کرده که علاوه بر ده‌ها سازمان انتشاراتی در تهران و برخی شهرهای بزرگ، یک شهرک صنعتی هم به این بخش از تولید اختصاص یافته است. آخر تولید که هم‌هاش شکمی نیست. مهم نیست که در این شهرک یا انتشاراتی‌های بزرگ چه عناوینی تولید می‌شوند. بودن امکانات از نبودنش بهتر است حتی اگر حاصل امکانات چیزی نباشد که ما می‌پسندیم. اینها باعث امیدواری است و ما را به آینده این صنعت امیدوار می‌کند. اما وقتی می‌شنویم و می‌خوانیم که صدها کتاب در پیچ و خم‌های اداره بررسی کتاب روی هم تلنبار شده‌اند و کسی هم جاگوگو نیست، وقتی می‌شنویم و می‌خوانیم و حتی می‌بینیم که چند ناشر از حضور در نمایشگاه ممنوع می‌شوند، چه حسی باید داشته باشیم؟ خوشحال باشیم یا گریان؟ وقتی تیراز کتاب‌های جدی و مهم به‌هزار نسخه می‌رسد و روز به روز از تیراژ کتاب‌ها و نشریات جدی و فرهنگساز کشته‌شده بر تیراژ کتاب‌ها و نشریات بی‌خاصیت افزوده می‌شود، باید از چه کسی گله کرد؟ از مردم که دیگر کتابخوانی را، از سبید نیازهای زندگی روزمرشان حذف کرده‌اند یا آنان که با دریافت انواع حمایت‌ها و یارانه‌ها روز و شب در کار تولید اوراق سفارشی هستند؟ نیازی نیست باهزار بدبختی خودمان را به نمایشگاه کتاب برسانیم که در معرض اوضاع کلی چاپ و نشر کتاب قرار بگیریم، کافی است سری به راسته کتابفروشی‌های روبه‌روی دانشگاه برزینم که زمانی باتوق و گذرگاه اهل فرهنگ و هنر بود و انواع رمان‌ها، مجموعه اشعار و کتاب‌های تاریخی، پژوهشی و ادبیات و هنر در وترین‌هایش خوندنمای می‌کرد و حالا وترین‌ها پرشده از انواع کتاب‌های آموزشی، درسی، آشپزی، فال‌بینی هندی و چینی، یوگا و البته رمان‌های شاه آبادی (۱) در تیراژ وسیع. خب این شرایط روزگار ماست و نمی‌توان ناشران را بابت انتشار چنین کتاب‌هایی که فروش تضمین شده دارند، سرزنش کرد. وقتی ملزومات چاپ از کاغذ گرفته تا مواد لیثوگرافی و صحافی رواج به روز گران‌تر می‌شوند، نمی‌توان از ناشری که می‌خواهد مستقل بماند، انتظار داشت همچون گذشته فقط دلش را به نام و اعتبار خوش کند. وقتی بررسیان عزیز-و او به واو کتاب‌ها را زیر ذره‌بین ممیزی قرار می‌دهند تا مبدا و‌از‌های آن زیر نگاهشان دربرود، وقتی فضلی با فصل‌هایی از یک کتاب حذف می‌شود، دیگر دل و دماغی برای کسی باقی نمی‌ماند. به هر حال هنوز هم و بدرغم پیدایش رقبات قدری مثل رایانه، ماهواره، موبایل و دیگر ابزار رسانه‌ای، کتاب برای بسیاری از انسان‌ها «همان یار مهربان» است که خلوت و تنهائی‌اش آدم را بر می‌کشد. بی‌آنکه مزاحمتی ایجاد کند. در این جهان پر غوغا، کتاب می‌تواند تسکینی باشد برای روح و روان خسته آدمیزاد. مشروط به اینکه هنگام خواندن احساس نکنیم جای چیزهایی خالی است.

۱- اصطلاحی است که برای کتاب‌های سرگرم‌کننده که در گذشته‌ها توسط انتشاراتی‌های خیابان شادآباد (قسمت شرقی خیابان جمهوری فعلی) به چاپ می‌رسید، به کار می‌رود.

نمایشگاه روز هفتم

■ دبیر انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان در گفت‌وگو با مهر به شیوه سرخوستی حضور ناشران کودک و نوجوان در نمایشگاه اشاره کرده و گفت: در قرن ۲۱ و بعد از ۲۵ سال برگزاری نمایشگاه کتاب و این همه افتخار ما به آن، ناشران کودک و نوجوان باید به صورت قبیله‌ای و سرخوستی زیر چادر از مخاطبان‌شان پذیرایی کنند. ما دیگر عادت کرده‌ایم. البته تقصیر کسی هم نیست، باید دولت فکری کند، ما که فعلا خانه‌بدوش هستیم. کاش لاقل فخری‌داری به حال آن فکری بکند. هر کسی در این چند سال به کتاب‌های کودک و نوجوان آمده باشد، می‌داند که چادرهای ما سیستم خنک‌کننده ندارد. آفتاب که باشد داغ می‌شود و باران که بیاید، خیس، دیگر همین است. باید عادت کنیم.